

افزایش صادرات غیرنفتی و ضرورت تغییر ساختار اقتصادی

آرژ سعید دادخواه

موازنه مثبت در بازرگانی خارجی ایران است، بطوری که در آن دوران کشور ما در مقابل ۶۶۱ میلیون ریال واردات، ۷۱۸ میلیون ریال صادرات غیرنفتی داشته است. البته اداره کل تجارت ظاهراً فقط ترازیمت در یکسال (۱۳۱۰) نتایج مثبتی در بازرگانی خارجی کشور بر جای نگذارد و پس از آن در سالهای ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ بازرگان میزان واردات کشور بر صادرات ازونی یافت. سرانجام در سال ۱۳۱۴ برای ایجاد موازنه پرداخت، قانون معاملات ارزی تصویب شد که در موجب آن کلیه معاملات ارزی موقوف به تصویب کسبپون ارز شد و تعیین نرخ خرید و فروش نیز از عهده هیات وزیران گذاشته شد. در موجب این قانون کلیه صادرات گران موهله شدند. ارز حاصل از صادرات خود را در مدت مشخص به بانکهای محاز فروشنده، اما این قانون نیز به دلیل ۷۵ بون تقاضا برای کالاهای وارداتی مورثیت چندانی نسبت نیابرد. پهنای این ساله در سال ۱۳۱۶ دولت ملی چند تصویب نامه کالاهای، صادرات را به سه طبقه تقسیم کرد و طرف راست که برای هر طبقه به میزانی که صلاح باشد گرواجنامه فروش ارز صادر شود این تصویب نامه باعث تشویق صادرات در سالهای ۱۳۱۸، ۱۳۱۹ شد و بطور کلی در این سالها کمک ملاحظه نسی بین صادرات و واردات بوجود آمد.

سرانجام در تاریخ سوم شهریور ۱۳۲۰ پس از اشغال ایران اقتصاد کشور دچار اختلال و نابسامانی شد و مقرراتی که برای تشویق صادرات وضع شده بود نیز از یاد رفت. در این سالها کسبپون ارزی تعطیل شد و اجازه فروش ارز بطور آزاد به بانکهای ممتاز داده شد. پهنای این تغییرات در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ شاهد گسری تراز بازرگانی نسبت به سال ۱۳۲۰ هشتم و این روند همچنان تا سال ۱۳۳۰ ادامه می یابد و عموماً افزایش میزان صادرات در سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۰ نسبت به سال ۱۳۲۸ بازرگانی تراز بازرگانی کشور تقریباً حاصل نسی بود. تا این زمان در مورد ایران در دو رقم درآمد دولت هیچ بخشی از نشت نیبورد و فراموشی نقدی و جنسی مجموعه درآمد دولت را تشکیل می داد. با توجه به این سالها در این دوران در بحث صادرات و واردات بیشتر صادرات غیرنفتی مد نظر بود.

در سال ۱۳۳۷ برای اولین بار سیستم از درآمدی در اختیار دولت بود. در این سالها نیز در این زمان در مورد ایران در دو رقم درآمد دولت هیچ بخشی از نشت نیبورد و فراموشی نقدی و جنسی مجموعه درآمد دولت را تشکیل می داد. با توجه به این سالها در این دوران در بحث صادرات و واردات بیشتر صادرات غیرنفتی مد نظر بود.

و وابستگی شاهان فارس، باعث آشفتن شدن وضعیت اقتصادی کشور شده و موجب شد که تلفات فاحشی بین صادرات و واردات بوجود آید. البته ۹ سال قبل از انقلاب مشروطه مظفرالدین شاه به موجب فرمانی حقوق گمرکی برخی از کالاهای مثل منسوجات، کالی، پشم، خشکبار و چندین کالای دیگر را لغو کرد که این منافع گمرکی باعث افزایش نسی صادرات کالاهای نوری شد. ولی این تغییرات بعد از چند سال متوقف شد و بخصوص پس از پیروزی انقلاب اکثر که دولت وقت شوری درده کلیه کالاهای غیر ضروری را به داخل این کشور ممنوع اعلام کرد. صادرات ایران به میزان قابل توجهی کاهش یافت. البته تراز نسبت نگر در بازرگانی بین المللی نیز در تراز اولیوضع اقتصادی ایران در آن زمان تأثیر زیادی گذاشت.



پس از کودتای ۱۳۳۹ و روی گف آمدن رهنمائی فاضلی بین صادرات و واردات همچنان افزایش یافت ولی با کشف نفت در ایران و به دنبال آن ایجاد روابط نزدیک و معزز دولت وابسته ایران با قدرتمندترین کشورهای استعمارگر مشروط بازرگانی خارجی کشور دچار تغییرات عمده ای شد. تا قبل از این مرحله تغییرات سهم صادرات و واردات در بازرگانی خارجی کشور و نوسانات آن، اثر خیره را بر سطح زندگی و رفاه ملای چمنه بر جای می گذاشت ولی بطور مشخصی بعد از این مرحله پهنای صادرات نفی تقریباً موازنه واردات و صادرات غیرنفتی موضوعیت خود را از دست داد. بطور کلی در سالهای بعد از روی کار آمدن رهنمائی موازنه بازرگانی کشور همواره منلی بود تا اینکه در سال ۱۳۶۰ اعلام کل تجارت تشکیل شد و ظاهراً تلاشهایی برای افزایش صادرات غیر نفتی آغاز کرد. اکثر گمرکی ای که از آن زمان در دست است نشان دهنده یک

شیخ اجل سعید، در گفتار از نامری با ۵۰۰ هزار دلار ۴۰ بند حکایت می کند که در دهه ۱۳۰۰ کثیره جیره داشته و حسن به حضور پاریس وی به جیره خوش، گزارش حال و پیلان کار خود را در زمینه تجارت و بخصوص صادرات ارائه کرد. نامی برای می دارد که گمرکه پاریس را به حسن خواهد برد و کانس چینی را به روم، دیهای روسی به هند و فولاد هندی به طبله، آبگینه طلی به چین و نهایتاً به میانی به پارس و ایران سر دوروزان و پشتک در البته در کنار زحمت، برخورداری از مال و مکتب نیز پهنای خواهد داشت. گمرکه پاریس صادر و برمیانی وارد می شود که شاید در رقم کلی صادرات و همچنین گسب درآمد و تلفات نینه مالی چمنه نیز موثر باشد. هر چند که این بازرگان مورد هانتی سعید قرار نسی گمرکیده عنوان فعلاً دوسته در بین تنگه مطلق می شود ولی بهرحال شرح حال وی این نکته را روشن می کند که اولاً، جیره کیش ظاهراً در دوران شیخ اجل نیز مرکز تجارت و تره تجارت بوده است و ثانیاً اکثر صادرات و واردات در کشور ما سابقه ای بس میده است تا ریخی بس طولانی دارد.

المط ساحتان خارجی که به ایران سر کرده اند و همچنین مورخینی که در مورد ایران تحلیاتی داشته اند از وجود مرزهای گمرکی و حوازی و حقوق بازرگانی در ایران باستان سخن گفته اند. و به استناد منابع و عقول موجود در این زمینه، تمام روابط بازرگانی و رونق داد و ستد و تجارت متقابل بین ایران و سایر کشورها و جماع پهنی مشاهده می شود. شاید حکومت صفویه بخواهد پهنای جدیدی در مناسبات بازرگانی ایران باشد که مشخص آن ایجاد شرکتی در امر صادرات و واردات و بخصوص نسی دولت مرکزی بر مرزهای گمرکی کشور است و در کتابی بنام «تغییرات بازرگانی» نیز که توسط یکی از بوجه نویسان ادراک شاه تفصیلاً سعیدی تهیه شده است، بوجه مملکت به تشکیل هر استان آورده شده که نشان می دهد در آن زمان عواید هر استان کسی بیش از منافع آن بوده و به اصطلاح کشور تراز بازرگانی منتهی داشته است. البته این وضعیت از آنجا که نهایتاً منجر به اجازه دادن درآمد گمرکات کشور به خراجیان شد نسی تراز در مجموع به عنوان یک شرایط مطلوب توجه قرار گیرد ولی بیستالی، سدی برای این بجهه را گمرک که عرض و واقع خراجیان برای نسی تسلط و گمرکات کشور نشان دهند درآمد نسبتاً قابل توجه این گمرکات رونق نسی تجارت خارجی کشور بود. اجازه دادن گمرکات کشور تا دوران قاجاریه به نسی تمام یافت و سسی سلسله خراجیان در این زمینه آن چنان شدت یافت که می گویند انتشار مسیرونه نویسی گمرکات کشور از شاه قاجار بیشتر بوده است. سسی گفایبی

باتکها اجازه داده شد که ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را با نرخ غیررسمی و بر مبنای هر دلار معادل ۷۸ ریال از صادرات غیرنفتی خریداری کنند و جهت مصرف و توزیع به نرخ ۷۸/۵ ریال به فروش برسانند و بعد از آن در سال ۵۸ که بدلیل نوسانات ریال نسبت به دلار قرار شد نرخ ترجیحی جهت صادرات به میزان ۱۱۹ درصد پیش از نرخ رسمی محاسبه شود هر چند اثرات ناچیزی در میزان صادرات غیرنفتی مداخله داشت ولی بررسی های مبرهه نشان می دهد که با وجود تعدید هدف و ارایه پیمان ارزی (از ماه به یکسال) این سیستم نیز موفقیت چندانی نداشت. بعد از آن تصمیم اقتصادی و چنگ تحبیلی کاهش میزان صادرات را بیشتر کرد و بعد از آن بپروژه آمنت بازار سیاه ارز، مشکلات عده ای را برای صادرات غیرنفتی بوجود آورد

بعد از انقلاب و جبهه بازار سیاه ارز یکی از عده ترین مشکلات کشور برای جذب منابع ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی بود است. این مشکل باعث شد صادرات کنندگان که از تاریخ ۵۸/۷/۵ بر اساس بخشنامه بانک مرکزی مکلف به سپردن پیمان ارزی شده بودند، انگیزه چندانی برای فروش ارز خود به سیستم بانکی نداشته باشند عدم موفقیت سیستم بانکی در جذب منابع ارزی و در کنار آن خروج غیرقانونی کالاهای صادراتی، نهایتاً باعث شده است که ارز حاصل از صادرات غیرنفتی نه به حساب بوفت و نه به مصرف اقتصاد کشور بکشد به جهت افرادی که به حساب به فعالیت های غیرمعیار و بعضی تا سالم اقتصادی اشتغال دارند بی رود.

از طرفی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ بهای کالاهای صادراتی ایران حتی چندگانه افزایش یافت بطوریکه شاخص رسمی سال صدها درصد افزایش کالاهای صادراتی به رقم ۲۰۱/۱ رسیده ۶۲ درصد (۱۰۰=۱۳۵۳) همان طور که مشاهده می شود در طول سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ رشد قیمت کالاهای صادراتی بیش از ۲۰۰ درصد بوده است در این ساله نیز باعث شده است که کالاهای صادراتی ایران قابلیت رقابت خود را در بازارهای جهانی از دست بدهد. بدینال افزایش بهای کالاهای صادراتی افزایش میزان تقاضا که خودتانی از تزریق درآمدهای نفتی و افزایش مصرف داخلی در کنار کاهش تولید ناخالص ملی بود باعث کاهش صادرات کشور شد. در این سالها بطور مشخص کالاهایی از قبیل پودرخششویی، صابون، لاستیک، تقلیه، شش آلومینیوم، لوله های، یونجه شده، گلشن، لاستیک اتوموبیل، روغن نباتی، انواع کبر و ... که همگی در ریف کالاهای صادراتی قرار می گیرند با افزایش میزان تقاضا و بالا رفتن قیمت مواجه شدند.

چون زیر وضعیت صادرات و واردات کشور در سالهای ۱۳۵۷-۶۲ نشان می دهد

به عنوان جمع بندی از مباحث فوق و با توجه به آثار بازگشایی خارجی کشور بازرگانی که در سال ۱۳۵۷ به دلیل انحصار های بی در پی کارآمد دولت، قرار سرمایه داران و خراجها، هم صادرات و هم واردات کشور کاهش یافته

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود در سال ۵۸ صادرات کشور از نظر ارزش نسبت به سال ۵۷ افزایش یافته است و شاکت آن صورت فرشی پشمی دستی، کالاهای کشاورزی، کتان، گیاهان دارویی و صنایع - حساسات دریایی و فرآورده های دانه بود. در این سال سهم کالاهای صنعتی در کل صادرات کشور به ۵/۵ درصد رسید که نسبت به رقم ۱۷ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش چشمگیری داشته است.

چشم گیری های اقتصادی کشور را ساختار اقتصادی تعیین می کند و هر درامدی در صورتی که در یک ساختار اقتصادی سالم هزینه شود می تواند رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال خود داشته باشد.

در سال ۱۳۵۸ فرشی پشمی دستی ۲۵ درصد ارزش صادرات کشور را تشکیل می داد هر حالی که این رقم در سال ۱۳۵۷ حدود ۱۶ درصد و در سال ۱۳۵۶ حدود ۱۲ درصد بود کاهش صادرات کشور از نظر وزن و ارزش در سال ۱۳۵۸ نسبت به سال ۱۳۵۷ به دلیل کاهش میزان صادرات محصولات پتروشیمی (آمونیاک و کربنات) و سنگهای معدنی و فرآورده های کشاورزی بود. در حالی که در همین سال سهم فرش و صنایع دستی در کل صادرات کشور به ۶۲/۵ درصد رسید که نسبت به رقم ۲۵ درصد در سال ۱۳۵۸ نشان دهنده افزایش چشمگیر میزان صادرات این کالا است در سال ۱۳۵۸ میزان صادرات کالاهای صنعتی نیز از نظر وزن و ارزش نسبت به سال ۱۳۵۸ کاهش چشمگیری در سال ۱۳۶۴ میزان صادرات محصولات پتروشیمی و شنگیاری با کاهش مواجه بود سهم فرش پشمی در کل صادرات کشور نیز که در سال ۱۳۵۸ افزایش یافته بود در این سال به ۲۱ درصد رسید از سال ۱۳۶۱ به بعد نیز مرتباً با افزایش وزن صادرات کشور مواجه هستیم که عمدتاً به دلیل افزایش میزان صادرات پشم، فرش صنایع و کالاهای معدنی می باشد.

بررسی امکانات صادرات غیر نفتی ایران امکانات بکار گرفته شده ایران را برای صادرات غیر

نفتی می توان در سه بخش عده پشمی کالاهای کشاورزی، کالاهای صنعتی و مواد معدنی و صنایع ساختاری تقسیم بندی کرد. در این میان کالاهای صنعتی هم صادرات کالاهای صنایع کارخانه ای مثل وسایل نقلیه، لوازم خانگی، پوشاک و ... را شامل می شود هم تولیدات صنایع فلزی مانند سرب، مس، کبوتر، سرب، میوه، ترانس، سیمکیت و محصولات دریایی از قبیل میگو، ماهی تازه و منجمد و غلایر و همچنین صنایع پتروشیمی شامل انواع جبره کتله، دترزاها، پلاستیک، پلی اتیلن و ... را در بر می گیرد صادرات مواد معدنی و صنایع ساختاری نیز شامل سنگ سرب، سنگ در، کرومیت، خاکه کربن، سرب، سنگهای ساختمانی، کاشی، سرامیک و ... می باشد همان طور که مشاهده می شود صادرات غیر نفتی ایران را کالاهای بسیار متنوع تشکیل می دهد که هیچکدام ویژگی و با ارزش خاصی که باعث تفکیک آنها از سایر کالاهای صادراتی ندارند هر چند که در میان این کالاها از نظر ارزش، فرش تقریباً عده ترین کالای صادراتی ایران محسوب می شود.

صادرات فرش طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ به طور متوسط سالانه حدود ۹۹ میلیون دلار ارز وارد کشور کرده است و این رقم در ۲۱ بهرزی انقلاب اسلامی نیز افزایش یافته و به ۲۰۴ میلیون دلار بالغ شده است و در بسیاری از سالها فرش پشم دستی بطور متوسط حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد ارزش صادرات غیر نفتی ایران را بخود اختصاص داده است. در حال حاضر و در گذشته نیز صادرات فرش هندتا توسط کشور بصورت عمده انجام شده است و علاوه بر آن شرکت سهامی فرش نیز صادراتی داشته است که میزان آن نسبت به صادرات پشمی خاصی بسیار ناچیز بوده است. البته ناگفته نماند میزان فروش پشم (که باید از خارج خرید و شود) و وجود رتکهای طبیعی که در سالهای اخیر در قسمت فرش پالی مکزیک، هند، است باعث کاهش تولید و پایین آمدن کیفیت رنگها شده است. قابل ذکر است که در گذشته بدلیل استفاده از رنگهای سنتی که از پوست و ریشه های گیاهی می شد در فرش هر منطقه ای رنگ سنتی خاصی خودش داشته می و ویژگی و جلالت خاصی به فرش های تولیدی می داد.

هر حال همان طور که گفته شد الیام صادراتی ایران بسیار متنوع بوده و کالاهای صنعتی، معدنی، کشاورزی و صنایع دستی را در بر می گیرد ولی در این میان مجموع ۱۰ قلم کالا در سال ۶۴ بیش از ۷۵/۵ درصد ارزش کل صادرات کشور را بخود اختصاص داده است که مطابق جدول زیر برتیب عبارتند از: (۱)

ردیف	ارزش صادرات در سال ۱۳۶۴ (میلیون ریال)	درصد نسبت به کل (میلیون ریال)
۱	۲۵۵/۷	۱۰۰
۲	۵۹۶/۷	۲۳۲/۷
۳	۵۳۱/۵	۲۰۷/۷
۴	۱۸۰/۵	۷۱/۷
۵	۱۵۴/۲	۶۰/۷
۶	۱۲۷/۷	۵۰/۷
۷	۱۰۸/۸	۴۲/۷
۸	۱۰۸/۵	۴۲/۷
۹	۷۷/۷	۳۰/۷
۱۰	۶۶/۸	۲۶/۷
۱۱	۲۴۵/۱	۹۷/۷

زمان	واردات	صادرات
وزن (مترتزن)	ارزش (میلیون ریال)	وزن (مترتزن)
۱۳۵۷	۱۲۲۲۸	۳۲۲۲۲
۱۳۵۸	۱۰۳۷۰	۶۸۲۴۹
۱۳۵۹	۱۷۴۴	۷۷۶۲۱
۱۳۶۰	۱۵۰۰۲	۱۰۰۳۳۶
۱۳۶۱	۲۰۱۹۵	۱۰۸۱۵۱
۱۳۶۲	۱۶۱۸۸	۱۵۲۲۴
۱۳۶۳	۱۶۱۸۸	۲۳۸۸۱
۱۳۶۴	۱۶۱۸۸	۳۱۰۱۸
۱۳۶۵	۱۶۱۸۸	۲۲۰۲۱

البته در میان الیام صادراتی ایران گاز نیز نقش قابل ملاحظه ای در درآمدهای ارزی کشور داشته که طبق آن از سال ۱۳۶۰ باعث درآمد مهمی در درآمدهای ارزی کشور

مرزهای کشور، کافی نبودن آن تخصص یافته برای دوره و مواد اولیه صنعتی و تعویض ماشین آلات فرسوده، مشکلات اعتباری صادر کنندگان، کمبود ماشین کن بین و زیرخانها و سازمانهای تربیت و انگلری اجاز صدور کالا به برخی از ارگانهای به طاهر غیر انتفاعی که وجود و برپا ماندن آنها باعث بافت نامناسب این ارگانها با سایر صادرکنندگان شده است. عدم حضور در مراکز عرضه تجارت دنیا، پایین سطح حقوق کارکنان دولت و اثرات آن در عملکرد واحدهای تربیت در امر صادرات (۲) نیز در عدم تحرک صادرات غیرنفتی کسدر نقش دارند که بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق بر یک بر عهد کارشناسان و دست اندرکاران مربوطه است ولی در اینجا بحث اصلی ما نه بررسی تک تک محورهای فوق بلکه ارزیابی کلی نقش و جایگاه صادرات غیرنفتی در اقتصاد کشور و بخصوص در شرایط فعلی است.

در یک نظر ابتدایی، تلقی و برداشت عمومی این است که ترویج اقتصاد کشور فقط از طریق توسعه درآمد ارزی امکان پذیر می باشد. در این صورت ترقیت اقتصاد کشور بر شکل ابعادی آن و تقویت زیرساختها و درآمد جامع مبادلات تجاری تصویر می شود. طبیعی است که اولین راه حل برای کسب درآمد ارزی افزایش صادرات نفتیم صرفاً به دلیل کسب درآمد ارزی و بطور موقت و در حداقل زمان ممکن باشد. در اینجا پیگیر روشی و خاصه صادرات اقتصادی کشور در نظر گرفته نمی شود. این سانه مورد توجه قرار نمی گیرد که جهت گیری کلی اقتصادی اجتماعی کشور را نهایتاً همین صادرات اقتصادی تعیین می کند و هر نوع درآمدی و بطور مشخص درآمد ارزی در صورتی که در یک ساختار اقتصادی سالم هزینه شود می تواند رشد و توسعه اقتصادی را بدون تأخیر باشد. ولتا این مباحثه در یک اقتصاد پیمان نه تنها هیچ تأثیری نخواهد گذاشت بلکه حواشی و پهنایی را نیز پدید می آورد. داشت امور و ارقام موجود نشان می دهد که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ حدود ۲۱۷۰۰ میلیارد ریال در کشور مصرف گردید. کسب درآمد ارزی در این میان افزایش تولید محامل ۱۵۰/۹ میلیارد ریال بوده است. آثار بازگشتی خارجی ایران نشان می دهد که در سالهای پس از انقلاب بخصوص سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ درآمد ارزی مشران نفتی حدود ۲۰۰ میلیارد ریال در سال عاید کشور شده است ولی این درآمدی عموماً در مباحثی واقعی شده هزینه شده است. ممکن است کسب درآمد ارزی چه از طریق صادرات اقتصادی و صنعتی و چه از طریق صدور مواد معدنی بتواند در کوتاه مدت تا حدی درآمد ارزی قابل قبولی را برای کشور حاصل کند ولی این درآمد در درازمدت می تواند به سوخت و سایر صادرات انرژی و نفتی که ساختار اقتصادی کشور نتواند باشد و این اختلاف مرادفا و موازنه اقتصادی صادرات در سطح جامعه متعادلانی را برای همکاری و هدایت مباحث ایجاد بپوشد. آورده باشد و نفتی ساخت و نفت نهادهای اقتصادی و واحدهای تولیدی باشد. برای اساس مصرف و تولید برای مصرف نسیم شده باشد. هر درآمدی که کسب شود جز در همان محلی که تا بحال مصرف شده است هزینه نمی شود. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مذاکرات مربوط به بررسی بودجه سال ۱۳۶۶ اعلام کرد که از جمعیت ۲۲ میلیون نفری (البته بعداً مقدمات رسمی جمعیت کشور را ۲۹ میلیون اعلام کردند) حدود ۱۲ میلیون نفر بصیحت بسیار مرموم، ۲۲ میلیون نفر بصیحت ضعیف پذیر شریف و ۱۱/۷ میلیون نفر بصیحت ضعیف پذیر متوسط می باشد. در مقابل این افراد تعداد ۱/۳ میلیون نفر نیز بصیحت مرفه کشور را تشکیل می دهند. در همان جلسه اعلام شد که در صورت بروز اعتراضات مردم حداقل ۲۲ درصد جمعیت کشور جابجایی و نقلیه نمودن خواهد شد. با شد و با مسائل بسیار در گذراندن زندگی خود مواجه می شوند. در مقابل این سانه در همان جلسه اعلام شد که میزان تولیدی بخش خصوصی از حدود هزار میلیارد ریال در سال ۵۵ به حدود ده هزار میلیارد ریال در حال حاضر افزایش یافته است. در این شرایط بر ما توجه به این نامله

افزایش صادرات غیر نفتی

تنها در چهارچوب برخورد با ساختار

تاسیسات اقتصادی و گام زدن در مسیر

اهدایی که قانون اساسی برای مسائل

اقتصادی تعیین کرده است مثبت

است.

ممکن است کسب درآمدهای ارزی چه از طریق صادرات کالاهای صنعتی و یا حتی صدور مواد معدنی بتواند در کوتاه مدت درآمد ارزی قابل قبولی را برای کشور حاصل کند ولی این درآمد در درازمدت اقتصادی نتواند به سوخت و سایر صادرات کشور برسد.

اگر مشکلات اقتصادی را

ناشی از توسعه استیکار جهانی و

سطوح قیمت نفت نایاب برای

برخورد با آن باید تلاش کنیم بجای

نفت کالای دیگری مثلاً کالاهای

معدنی صادر کنیم یعنی باید

برای صنایع غیر نفتی سرمایه گذاری

کنیم.

عظیم بر درآمدی که کسب شود و بر سرمایه گذاری که انجام شود فواید و بازده آن کدام طرف می رود اگر بین مشکلات را ناشی از توسعه استیکار جهانی و سطح قیمت نفت و بنیال آن کاهش درآمد ارزی کشور بدانیم برای برخورد با آن باید تلاش کنیم بجای نفت، کالاهای دیگری مثلاً کالاهای معدنی، مواد غذایی و... را به بازار می بکری عرضه کنیم و به فروش آنها ملی بپردازیم. در اینجا باید به یک نکته اساسی اشاره شود و آن اینکه نفتی شمار صادرات غیرنفتی شمار مثبتی است و به تازگی باید به هر شرایطی دنبال شود و طبیعی است که در کوتاه مدت اساساً نتوانیم و نباید جلوی صدور خشکبار و حتی سنگهای معدنی را بگیریم چرا که بهر حال همین کالاهای حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار ارزش وارد کشور می کنند و علاوه بر آن بخشی از این اقلام مثلاً فرش در سطح کشور ایجاد اشتغال نیز می نمایند. از طرفی مسلم است که به هر نسبت هم که از میزان وابستگی کشور به درآمدهای نفتی کسب شود یکی چیزی از مزایای انقلاب اسلامی که همان رسیدن به استقلال و خودکفایی است خواهد شد. در این میان طرز که اشاره شد در اینجا باید به مورد ضروری و دو خاص ضرورت توجه به صادرات غیرنفتی کسب چرا که طبیعی است افزایش صادرات غیرنفتی در همه حال برای جامعه مطلوب می باشد ولی بحث اساسی در این مورد به هر شرایطی و در این میان است. همان طور که اشاره شد این برداشت که مشکل اصلی اقتصاد کشور در شرایط فعلی فقط و فقط در کاهش درآمدهای ارزی دیده شده و تنها راه حل برای برخورد با مسائل اقتصادی که مردم نیز بطور روزمره، آنهاست بگریبان هستند نیز کسب درآمد ارزی بدون توجه به تمیزات بنیادی در ساختار اقتصادی کشور اعلام شود باعث خواهد شد که با مسائل اقتصادی بطور اصولی برخورد

نشود و بنابراین همین سانه در کنار مشکلات مربوطه که کاهش درآمدهای ارزی نیز آنها را تشدید کرده است امکان انجام طرحهای صحیح و اصولی را برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور را بین خواهد بود. قانون اساسی در اصل ۲۳ شرایطی را برای کسب استقلال اقتصادی و رشد آن کفایت کرده و در محرمیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد تعیین می کند.

۱- تأمین نیازهای اساسی، سنگین، خوراکی، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به استقلال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند... که نه به تکرار و تداوم دولت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه ثروت را در صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآید.

۳- تأمین برابری اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تعلق، شغلی، فرصت و توان کافی برای خوشنوازی معنوی، سیاسی و اجتماعی... داشته باشد.

این محورها که در مجلس خزرگان به تصویب رسیده است نشان دهنده نظر و باور عمومی جامعه از یک روابط اقتصادی معقول و منطقی می باشد و طبیعی است که سیاستهای اقتصادی کشور باید بطوری باشد که جهت گیری همه یکی به این سمت مضاف شود. از طرفی باید حمله همه جوامع انقلابی نشان داده است که آنان بدون توسعه اقتصادی و رشد علم و تحسین نوانرشد است. رشد توسعه مبادلات خود پرستند و رعایت تعادل و تناسب بین این دو معرله یکی از مهمترین وظایف در این جوامع بوده است. بنابراین به عنوان صاع بندی می توان گفت که افزایش صادرات از طریق نفتی در چهارچوب برخورد با ساختار تاسیسات اقتصادی و گام زدن در مسیر اصلی که قانون اساسی تعیین کرده است نه تنها مثبت که ضروری است و در مقابل برداشتن به صادرات غیر نفتی ولی مجرد از سایر مسائل و مشکلات اقتصادی نیز تنها براه ایجاد مشکلات و مشکلات واقعی و با تصحیح در این مورد و افزایش اختلاف درآمد در سطح جامعه رشد می دهد و بخش خدعات در دراز مدت نباید دیگری خواهد داشت. طبیعی است نیازهای که بجای نفتی تولید و بعد از مرطه سطح بازار داخلی (در مورد کالاهای مورد نیاز مردم که شیوع بر انگیز می مصرف مورد قبول جامعه نیز است)، در شرایط کشور در کالای (در مذاکرات شورای اسلامی برای بررسی بودجه سال ۶۶ اعلام شد که در سال ۶۵ نسبت به سال ۶۲ حدود ۲۵ خدماست حدود ۲۵ درصد کاهش داشته است) و افزایش برای خدماست اساسی، صادرات غیر نفتی افزایش باید چون معادل کالاهای صادراتی وارد کشور شده است. کسب درآمد کالای صادراتی را بر صاحبان درآمدهای ثابت ایجاد خواهد کرد. در مقابل درآمد ارزی را عاید صادر کنندگان که بعدها جز تولید کنندگان نیز نیستند خواهد کرد. در این شرایط مصرف کنندگان داخلی معادل سودی که در مبادلات صرفت آورده اند به عنوان بخش کالای معدنی خود می بردارند و عملاً فشار ماضعلی از معنای ملی می روند و این در حالی است که در مورد خصوصی شدن کالاهای اساسی، همان آرزوی ما نیست. البته مورد فوقی در چهارچوب بحث اندازی که برای اقتصاد غیر نفتی در نظر می شود. باید تأکید آرزوی ما نیست و طبیعی است همان طور که اشاره شد اگر آزادی برای ما و صاحبان معنوی ما بود، در مقابل بافت اقتصادی کشور معمول شود تحمل آنها بسیار آسان نخواهد بود.

زیر نویس

۱ و ۲ - به جزوه دیگری کوتاه به عملکرد صادرات و آینده آن نوشته - علمی مراجعه شود.